

بررسی عوامل مؤثر بر انگیزه توفیق طلبی از دیدگاه آموزه‌های دینی

دکتر سید علی علوی*

تاریخ دریافت: ۸۸/۰۶/۰۱

سید محمد کاظم اعتصامی**

تاریخ پذیرش: ۸۸/۰۹/۲۹

چکیده

انگیزه توفیق طلبی، یا انگیزه کسب موفقیت، امتیاز یا نیاز شدید برای موفقیت است که برجسته‌ترین نیاز از نظر رفتار شناسانی بوده، به سبب تأثیراتی که بر رشد و توسعه ملی یک کشور دارد، از سال ۱۹۵۰م. به بعد همواره مورد بررسی محققان قرار گرفته است. از آنجاکه انگیزه توفیق طلبی به شدت تحت تأثیر فرهنگ حاکم بر جامعه است، هدف اصلی این تحقیق استخراج آموزه‌های دینی مؤثر بر انگیزه توفیق طلبی بود که در نتیجه، برخی عوامل تحت عنوان جهان بینی اسلامی، باورها، ارزش‌ها، عوامل تربیتی و دستورات دینی شناسایی گردید.

اعتقاد و عمل به این آموزه‌های دینی موجب ظهور و تقویت انگیزه توفیق طلبی در فرد می‌شود؛ به این ترتیب که این «عوامل دینی»، موجب تقویت «ویژگی‌های توفیق طلبی» (مثل کانون کنترل درونی، امید به موفقیت، کار و تلاش زیاد و...) شده و در نتیجه، انگیزه توفیق طلبی در فرد افزایش خواهد یافت.

واژگان کلیدی

اسلام، انگیزه، انگیزه توفیق طلبی

مقدمه

یکی از عمده‌ترین مسائلی که همواره ذهن بسیاری از اندیشمندان را به خود مشغول داشته، مسئله توسعه اقتصادی، رشد علمی، ارتقای فرهنگی و تعالی اجتماعی است. یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر رشد و توسعه جوامع، وجود انگیزه توفیق‌طلبی یا میل قوی افراد برای دستیابی به موفقیت است پس جامعه‌ای در رشد و توسعه و پیشرفت از جهات مختلف، موفق‌تر خواهد بود که بیشتر افراد آن جامعه، انگیزه توفیق‌طلبی بالایی داشته باشند (علوی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۹).

با توجه به اینکه انگیزه کسب موفقیت به شدت تحت تأثیر فرهنگ جامعه است، و فرهنگ بینش‌ها، باورها و ارزش‌های آن جامعه است، این سؤال در ذهن ایجاد می‌شود که آیا فرهنگ اسلامی (به‌طور مشخص بینش، باور و ایدئولوژی اسلامی) بر انگیزه توفیق‌طلبی تأثیری دارد؟

بنابراین، ابتدا تاریخچه، تعریف این انگیزه و ویژگی‌های مهم آن بیان می‌شود و سپس، جهان‌بینی، باورها و ایدئولوژی (ارزش‌ها و ضد ارزش‌های) اسلامی و نحوه تأثیر این آموزه‌ها بر ویژگی‌های انگیزه توفیق‌طلبی پرداخته خواهد شد.

تاریخچه انگیزه توفیق‌طلبی

دانشمندان رفتاری طی سال‌ها مطالعه به این نتیجه رسیدند که برخی از افراد نیاز شدید به توفیق دارند ولی دیگران که شاید اکثریت را تشکیل می‌دهند، به نظر نمی‌رسد زیاد به فکر توفیق باشند. این پدیده توجه دیوید مک کله‌لند را به خود معطوف داشت. وی و همکارانش در دانشگاه هاروارد بیش از سی سال، انگیزه توفیق‌طلبی را مطالعه کردند (رضاییان، ۱۳۷۹، ص ۱۲۲).

چیستی انگیزه توفیق‌طلبی

از دیدگاه روان‌شناسی، می‌توان بیشتر مردم این دنیا را به دو گروه گسترده تقسیم کرد؛ اقلیتی وجود دارند که همواره در پی فرصت‌ها می‌باشند و برای دستیابی به چیزی که می‌خواهند، هیچ‌گاه از پای نمی‌نشینند. این افراد در خود جوشانی برای کسب موفقیت

دارند، آن‌ها آرزو دارند که بتوانند در مقایسه با آنچه پیش از آن‌ها انجام شده، کارها را با کیفیتی بالاتر انجام دهند. این جوشش و تلاش چیزی جز نیاز به کسب موفقیت نیست (شفریتز و استیون اوت، ۱۳۷۹، ص ۳۴۰).

از دید مطالعه رفتار سازمانی، برجسته ترین نیاز که به مراتب از همه بالاتر است، نیاز به کسب موفقیت است. نیاز به کسب موفقیت محرکی است که فرد را وامی دارد حداکثر کوشش خود را در نیل به اهداف مورد نظر انجام دهد. به همین دلیل می‌تواند عاملی برای ایجاد وجدان کاری و خودکنترلی در سازمان باشد (پیروز و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۱۸۰).

توفیق طلبی، نیاز عمومی: دنیس ویتلی معتقد است، که توفیق طلبی انگیزه‌ای در وجود انسان‌هاست که هیچ ربطی به استعداد، ضریب هوش، میزان تحصیلات، سن و سال، نژاد، خانواده، پول یا قدرت ندارد؛ بنابراین، انگیزه کسب موفقیت یا نیاز به موفقیت مانند نیاز به آب و غذا و نیاز تعلق به جمع، در نهاد بشر نهفته است. آنچه باید انجام شود، بیدار کردن این انگیزه و سلائق است که در برخی افراد کمرنگ شده است... (علوی، ۱۳۸۵، صص ۶۱-۶۲).

تعریف انگیزه توفیق طلبی

در مورد انگیزه توفیق طلبی تعاریف زیادی است که در اینجا به دو مورد بسنده می‌شود:

۱. تعریف ویلدر: انگیزه توفیق طلبی، میل و اشتیاق یا تلاش و کوششی است که فرد برای دستیابی به یک هدف با تسلط بر اشیاء، امور، افراد، اندیشه‌ها، و یا یک معیار متعالی، از خود ابراز می‌دارد (عریضی و عابدی، ۱۳۸۲).

۲. تعریف مک کله لند: نیاز به موفقیت عبارت است از: خودانگیزشی^۱ (انگیزه درونی) برای رسیدن به سطح بالایی از موفقیت شخصی^۲، از طریق تلاش فردی (Johnson, 2008).

ویژگی‌های افراد توفیق طلب

افراد توفیق طلب دارای ویژگی‌های زیرند:

- ❖ برای انجام دادن بهتر کارها در تلاش مداوم‌اند (فعالیت فیزیولوژیک بالا)؛
- ❖ ریسک بسیار بالایی دارند ولی تحقیقات عملی ثابت کرده است که آن‌ها ریسک‌پذیر بالا و پایین نیستند بلکه فقط اعتدال را رعایت می‌کنند (ریسک‌پذیری متوسط)؛
- ❖ از نظر «مرکز کنترل»^۲ دارای مرکز کنترل درونی هستند و بر این باورند که حاکم بر سرنوشت خویش‌اند؛
- ❖ مسئولیت شخصی برای انجام کارها را برعهده می‌گیرند (مسئولیت‌پذیری)؛
- ❖ به شدت به بازتاب عملکرد خود علاقه دارند؛
- ❖ آن‌ها از تعهد کاری بالایی برخوردارند (شیفتگی و تعهد به کار)؛
- ❖ در مورد توانایی خود ارزیابی واقعی دارند (واقع‌گرایی و نتیجه‌گرایی)؛
- ❖ از انجام کار لذت می‌برند و الزاماً به دنبال پاداش‌های بیرونی نیستند؛ یعنی نفس کار برای آن‌ها لذت‌بخش است (ارضا از انجام کار)؛
- ❖ تکالیف نسبتاً دشوار را ترجیح می‌دهند و پایداری بیشتری نیز در این تکالیف دارند (پایداری)؛
- ❖ افراد توفیق‌طلب بر حسب عادت، زمانی را صرف اندیشیدن دربارهٔ چگونگی انجام بهتر کار می‌کنند (نوآوری و ابتکار عمل)؛
- ❖ خودباوری و تصویر مثبت از خود دارند؛
- ❖ این افراد وقتی در کارشان موفق می‌شوند، معمولاً سطح آرزوی خود را به شیوهٔ واقع‌بینانه‌ای بالا می‌برند (سطح آرزوی بالا).
- ❖ دارای اعتماد به نفس هستند (اعتصامی، ۱۳۸۸).

ویژگی‌های انگیزه توفیق‌طلبی

در اینجا به دو دسته از بارزترین ویژگی‌های روانی و رفتاری افراد توفیق‌طلب اشاره می‌شود به نحوی که به هیچ عنوان نمی‌توان این ویژگی‌ها را از آن‌ها جدا کرد. این ویژگی‌ها عبارت است از:

۱. ویژگی‌های روانی مؤثر بر توفیق‌طلبی؛
۲. ویژگی‌های رفتاری مؤثر بر توفیق‌طلبی.

هریک از عوامل و مؤلفه‌های دینی که بعداً گفته می‌شود، تأثیر مستقیم بر این ویژگی‌ها دارد و در نتیجه، موجب افزایش انگیزه توفیق طلبی در فرد خواهد شد.

ویژگی‌های روانی مؤثر بر توفیق طلبی

همان‌طور که در نمودار شماره ۱ دیده می‌شود، ویژگی‌های روانی مؤثر بر توفیق طلبی عبارت است از مرکز کنترل درونی، امید به موفقیت، آرزوهای بلند و احساس نقص؛ در این بخش تأثیر آموزه‌های دینی بر این عوامل بررسی می‌شود.

نمودار شماره ۱. ویژگی‌های روانی مؤثر بر توفیق طلبی



۱. مرکز کنترل درونی: افراد توفیق طلب از نظر «مرکز کنترل» دارای مرکز کنترل درونی هستند؛ این افراد بر این باورند که حاکم بر سرنوشت خویش‌اند، علت شکست را کم‌کاری خود می‌دانند و بالتبع، برای رسیدن به اهداف خود تلاش خواهند کرد. برخلاف کسانی که دارای مرکز کنترل بیرونی‌اند؛ این افراد خود را مغلوب سرنوشت می‌پندارند، شکست را به عوامل بیرونی نسبت می‌دهند و در نتیجه، تلاشی برای بهبود اوضاع نخواهند کرد.

۲. امید به آینده (موفقیت): یکی از ویژگی‌های درونی انگیزه توفیق طلبی امید به موفقیت یا به عبارت دیگر، امیدواری نسبت به نتیجه گرفتن از تلاش خود است.

۳. آرزوهای (اهداف) عالی: همان گونه که بیان شد، یکی از مؤلفه‌های (درونی) انگیزه توفیق‌طلبی، اهداف و آرزوهای عالی و بلند است.

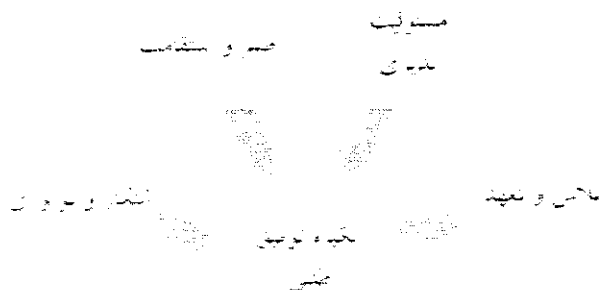
۴. احساس نقص: برای آنکه انگیزه توفیق‌طلبی در انسان بیدار باشد و هیچ‌گاه رو به ضعف و خاموشی نگراید، انسان باید بیشتر به نقص‌ها و نیازهایش توجه داشته باشد تا به آنچه دارد؛ زیرا توجه به نقص‌ها نیازها و کمبودها او را به تلاش و حرکت در جهت ارضای نیازها و ترمیم و تکمیل نقایص و کمبودهایش وا می‌دارد (شجاعی، ۱۳۸۵، صص ۱۴۷-۱۴۶).

۵. اعتماد به نفس یا خودباوری: یکی از ویژگی‌های درونی افراد توفیق‌طلب، اعتماد به نفس است که به معنای عدم اعتماد به دیگران و اتکای به خود و توانایی‌های خود و خودباوری است.

ویژگی‌های رفتاری مؤثر بر توفیق‌طلبی

همان‌طور که در نمودار شماره ۲ دیده می‌شود، چهار ویژگی تلاش و تعهد، مسئولیت‌پذیری، صبر و استقامت و ابتکار و نوآوری در رفتار یک فرد توفیق‌طلب به‌طور بارز و برجسته وجود دارد (اعتصامی، ۱۳۸۸).

نمودار شماره ۲. ویژگی‌های رفتاری مؤثر بر توفیق‌طلبی



انگیزه توفیق طلبی از دیدگاه آموزه‌های دینی

در ادامه، عوامل مؤثر بر توفیق طلبی از دیدگاه آموزه‌های دینی را از سه بعد بررسی می‌شود:

۱. جهان‌بینی اسلامی؛
۲. باورهای اسلامی؛
۳. ایدئولوژی اسلام (که از دو جنبه ارزش‌ها و ضلّ ارزش‌ها بررسی می‌شود).

۱. جهان‌بینی اسلامی

جهان‌بینی یعنی نوع خاص از نگرش و تفسیر از هستی است (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۱۵، ص ۵۰۵). در این قسمت نگرش اسلام به قضا و قدر، انسان، هستی و آینده جهان بررسی می‌شود و نحوه تأثیر آن در انگیزه توفیق طلبی مشخص می‌گردد.

دیدگاه اسلام نسبت به قضا و قدر

از دیدگاه اسلام قضا و قدر الهی بر همه جهان حاکم است و انسان به حکم قضا و قدر، آزاد و مختار و مسئول و حاکم بر سرنوشت خویش است. از طرف دیگر، محال است که قضا و قدر در شکل یک عامل در مقابل سایر عامل‌ها و مجزاً از آن‌ها ظاهر شود و جلوی تأثیر عامل خاصی را بگیرد و یا یک عامل خاصی را به کاری اجبار و اکراه کند. به همین دلیل است که «جبر» محال است (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۳۹۴).

مظاهر قضا و قدر

قضا و قدر مظاهر گوناگونی دارد؛ به عبارت دیگر، قضا و قدر خدا از مجاری مختلفی تحقق پیدا می‌کند.

۱. تغییر سرنوشت

تغییر سرنوشت یکی از مظاهر و یکی از مجاری تحقق قضا و قدر خداست. پس انسان طبق جهان‌بینی اسلامی مسلط بر سرنوشت خود است (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۳۹۱).

عوامل معنوی

عوامل معنوی نیز یکی دیگر از مظاهر قضا و قدر و یکی از مجاری تحقق آن است که آن نیز در تغییر سرنوشت انسان مؤثر است. برخی از این عوامل عبارت است از نصرت الهی، توکل، دعا و....

امتیاز قضا و قدر الهی بر قضا و قدر مادی

با این بیان امتیاز کامل اعتقاد به قضا و قدر الهی طبق تعلیمات قرآن مجید از اعتقاد به سرنوشت و قضا و قدر مادی که یک نفر ماتریالیست طبق نظام علت و معلول مادی دارای آن است، کاملاً روشن است.

یک نفر مادی هر اندازه به مسلک و روش و آیین خود مؤمن و معتقد باشد، بیش از این عقیده ندارد که به هر اندازه در راه تحقق بخشیدن به آرمان خود سعی و کوشش و مجاهدت کند، نتیجه می‌گیرد. اما یک نفر مسلمان مؤمن و معتقد به قضا و قدر الهی عقیده دارد که جهان طوری ساخته شده است که اگر او در راه عقیده و ایمان خود فداکاری و کوشش کند، دستگاه علی و معلولی جهان به حمایت او برمی‌خیزد و او را از پشتیبانی خود بهره‌مند می‌کند؛ صدها هزار برابر نیرویی که او خود در راه هدف خود صرف می‌کند، نیروی ذخیره در جهان هست که در چنین شرایطی به یاری او به کار می‌افتد.

اعتقاد به قضا و قدر از نظر جهان‌بینی الهی در ایجاد امید و نشاط فعالیت و اعتماد به نتیجه گرفتن از سعی و عمل اثر خارق‌العاده دارد، برخلاف جهان‌بینی مادی که بدون این مزیت است (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۳۹۷).

بنابراین، مسلمانی که چنین نگرشی به قضا و قدر دارد، اولاً دارای «کنترل درونی» است؛ زیرا به حکم قضا و قدر آزاد و مختار، و مسئول و حاکم بر سرنوشت خویش است؛ ثانیاً باز به حکم همان قضا و قدر که نصرت الهی، توکل و دعا از مظاهر آن است، «امید به موفقیت» و امید به نتیجه گرفتن از سعی خود را دارد.

۳. دیدگاه اسلام نسبت به «انسان»

بسته به اینکه چه شناختی از انسان داشته باشیم، موجب خوش‌بینی و امیدواری و یا بدبینی و ناامیدی به آینده را پدید می‌آورد. بنا بر تلقی فطری از انسان، انسان موجودی است دارای سرشت الهی، مجهز به فطرتی حق‌جو و حق‌طلب، حاکم بر خویش و آزاد از جبر طبیعت و محیط و سرشت و سرنوشت. بنابراین، تلقی از انسان این است که ارزش‌های انسانی در انسان اصالت دارد، و به موجب نیروی عقل خود می‌تواند طراح جامعه خود باشد و تسلیم سیر کورکورانه محیط نباشد، و به موجب اراده و نیروی انتخاب‌گری خود، طرح‌های فکری خود را به مرحله اجرا درآورد (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۲، ص ۴۳۱).

بنابراین، «امید به موفقیت»، «کنترل درونی»، و «سنت‌شکنی و نوآوری» ویژگی‌هایی است که در اثر این نوع نگاه در فرد افزایش می‌یابند.

۵. دیدگاه اسلام نسبت به «آینده جهان»

بسته به اینکه نسبت به آینده جهان چه دیدگاهی داشته باشیم، موجب امید یا ناامیدی ما می‌شود. تفکر اسلامی، امید به نجات بشریت از تیرگی‌ها و بینوایی‌ها و انواع فساد و تباهی را دارد (جعفری، ۱۳۷۶، ص ۲۹۲). اندیشه یروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه‌جانبه ارزش‌های انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایدئال و... به وسیله شخصیتی مقدس و عالی‌قدر که در روایات متواتر اسلامی از او به «مهدی» تعبیر شده است، محقق می‌گردد.... این اندیشه بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوش‌بینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است که طبق بسیاری از نظریه‌ها و فرضیه‌ها فوق‌العاده تاریک و ابرتر است (مطهری، ۱۳۵۸، ص ۴۰۶).

مفهوم انتظار

انتظار از دیدگاه اسلام عاملی برای تلاش و تحرک است و چنانچه میزبان منتظر مهمان، خود را برای آمدن مهمان آماده می‌کند، فرد منتظر نیز برای ایام ظهور خود و جامعه را آماده می‌کند.

انتظار به انسان‌ها انگیزه، امید و اندیشه نوآوری و نوسازی می‌دهد. ... انتظار یک آرزوی شورآفرین و یک آرمان بی‌نظیر است که روح بدبینی، بدگمانی و منفی‌بافی را از کالبد شیعیان راستین می‌زداید و به روان آنان رنگی از خوش‌بینی و امید می‌زند.

سازندگی انتظار از زاویه مفهوم انتظار: اگر اندیشه کسی این باشد که هیچ تلاشی برای اصلاح امور ثمر ندارد و به نتیجه نمی‌رسد، انگیزه‌ای برای مبارزه با ظالمان و مقاومت در برابر دشواری‌ها نخواهد داشت اما اگر به آینده امیدوار باشد و بداند که دیر یا زود حکومت زمین به صالحان خواهد رسید، امور جامعه اصلاح خواهد شد، حق به صاحبانش خواهد رسید، ظلم و ستم و بیداد رخت خواهد بست و ... برای رسیدن به چنان جامعه‌ای نه تنها خودسازی خواهد کرد بلکه تلاش می‌کند تا با دگرسازی زمینه تشکیل آن دولت کریمه را فراهم آورد (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۴۸).

پس می‌توان گفت انسانی که چنین دیدگاهی نسبت به آینده جهان دارد، «امید او به موفقیت» و نتیجه گرفتن از فعالیتش بسیار زیاد شده، «تلاش و کوشش» زیادی در این راه انجام خواهد داد و به «نوآوری» و شکستن سنت‌های غلط رو خواهد آورد.

۶. نگاه به هستی در جهان‌بینی اسلامی

مکتب اسلام به‌طور قاطع و صریح خلقت عالم را بر حق می‌داند و آن را عین خیر، نیکی و حسن می‌شمارد.... هیچ کاستی و زیادتى در آن راه ندارد و باطل، لغو و بازیچه نیست.... نظام هستی نظامی حکیمانه است؛ نظام موجود نظام احسن و اصلح است... و خداوند، چه در نظام تکوین و چه در نظام تشریع، به حق و عدل رفتار می‌کند و ظلم نمی‌نماید (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۲، ص ۱۴۹).

نگرش مثبت به جهان: اسلام به‌طور کلی، دارای یک فلسفه خوش‌بینانه درباره هستی و خلقت است. اسلام هرگز مانند برخی کیش‌ها و فلسفه‌ها با بدبینی به هستی و خلقت نمی‌نگرد و خلقت را به دو بخش زشت و زیبا، روشنایی و تاریکی، حق و باطل، درست و نادرست، به‌جا و نابه‌جا تقسیم نمی‌کند (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۱۶، ص ۵۱۵).

چون انسان به جهان با نگرشی مثبت می‌نگرد، زندگی را پوچ و تهی یا چیستانی ناگشودنی نمی‌شمرد بلکه جهان و اجزای آن را حقایقی هدفدار می‌بیند... و آشکار است که چنین نگرشی چه آثاری مثبتی را به همراه دارد، آثاری که همه جوانب زندگی آدمی و حرکت‌های فردی و اجتماعی را فرا می‌گیرد (حکیمی و اخوان، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۷۰).

طبق مطالب پیشین، این نوع نگاه به هستی، موجب خوش‌بینی به جهان آفرینش شده، ویژگی «امید به موفقیت» را در فرد تقویت می‌نماید؛ از طرف دیگر، این دیدگاه باعث می‌شود فرد ناکامی‌هایش را به حای انتساب به بیرون، به تنبلی و کاستی و کوتاهی خود منتسب کرده و درواقع، «کانون کنترل» از بیرون به درون کشیده شود.

بخش دوم: باورهای اسلامی

باور، چیزی بیش از علم و آگاهی است... مرحله‌ای است که در جان آدمی رسوخ می‌کند و اعتقاد قلبی او را شکل می‌دهد. باور درواقع، همان ایمان افراد هستند. «ایمان حالتی است قلبی و روانی که در اثر دانستن یک مفهوم و گرایش به آن حاصل می‌شود، و با شدت و ضعف هریک از این دو عامل، کمال و نقص می‌پذیرد» (پیروز و دیگران، ۱۳۸۳، صص ۳۷۵-۳۷۴).

ایمان و توکل: کسی که ایمان به خدا دارد، باور به این مطلب دارد که همه عالم، به دست خدای سبحان است و جز او کسی تأثیر استقلالی ندارد... اگر توحید به این معنا در انسان تقویت شود، در همه کارها به او توکل کرده و امور خود را به خدا واگذار خواهد کرد (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۰).

مشخص است کسی که تأثیر استقلالی برای غیرخدا قائل نبود، دل به آن نبسته و تنها به نیرویی ماورای همه نیروها اتکا خواهد کرد و در نتیجه، در کاستی‌ها و شکست‌ها، ناامید و در پیروزی‌ها و نعمت‌ها، سرمست و مغرور نخواهد شد (که هر دو ویژگی غرور و ناامیدی انسان را از ادامه مسیر باز داشته و ویژگی‌های توفیق‌طلبی را در او از بین می‌برد). از طرف دیگر، کسی که جز خدا را مؤثر نمی‌داند، با توکل به او و با تمام توان پیش رفته، هم تلاشش و هم امید به موفقیتش را مضاعف می‌کند.

۱. ایمان مذهبی

گرایش‌های ایمانی مذهبی موجب آن است که انسان تلاش‌هایی علی‌رغم گرایش‌های طبیعی فردی انجام دهد و احیاناً هستی و حیثیت خود را در راه ایمان خویش فدا سازد. این در صورتی میسر است که ایده انسان حجتاً تقدس پیدا کند و حاکمیت مطلق بر وجود انسان بیابد. تنها نیروی مذهبی است که قادر است به ایده‌ها تقدس بخشد و حکم آن‌ها را در کمال قدرت بر انسان جاری سازد (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۲، ص ۴۲).

آثار و فواید ایمان مذهبی

الف. خوش‌بینی نسبت به جهان

حالت فرد باایمان در هستی، مانند حالت فردی است که در کشوری زندگی می‌کند که قوانین و تشکیلات و نظامات آن کشور را صحیح و عادلانه می‌داند، به حسن نیت گردانندگان اصلی کشور نیز ایمان دارد، و قهراً زمینه ترقی و تعالی را برای خودش و همه افراد دیگر فراهم می‌بیند و معتقد است که تنها چیزی که ممکن است موجب عقب‌ماندگی او شود، تنبلی و بی‌تجربگی خود او و انسان‌هایی شبیه اوست که مانند او مکلف و مسئول‌اند (و این در واقع، همان مفهوم کنترل درونی است).

ب. امیدواری به نتیجه خوب در قبال تلاش خوب

در منطق فرد با ایمان دستگاه آفرینش حامی مردمی است که در راه حق و حقیقت و درستی و عدالت و خیرخواهی تلاش می‌کنند: «... إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ...» (محمد: ۷)؛

اگر خدا را یاری کنید (در راه حق گام بردارید)، خداوند شما را یاری می‌کند (و این یعنی همان «امید به موفقیت»).

ج. آرامش خاطر

انسان درباره آنچه مربوط به خودش است شک و تردید ندارد. آنچه که انسان را به اضطراب و نگرانی می‌کشاند و آدمی تکلیف خویش را درباره او روشن نمی‌بیند، جهان است.

ایمان مذهبی به حکم اینکه به انسان که یک طرف معامله است، نسبت به جهان که طرف دیگر معامله است، اعتماد و اطمینان می‌بخشد، دلهره و نگرانی نسبت به رفتار جهان را در برابر انسان زایل می‌سازد و به جای آن به او آرامش خاطر می‌دهد (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۲، ص ۴۸).

بنابراین، ایمان مذهبی از یک طرف با تقدس بخشیدن به اهداف (چه مادی و چه معنوی) موجب تلاش و مجاهدت انسان می‌شود و از طرف دیگر، با خوش بینی به خدا و جهان خلقت کنترل درونی را در انسان بیشتر می‌کند و با آرامش خاطر نسبت به نتیجه خوب گرفتن از تلاش خوب، «امید به موفقیت» را در انسان افزایش می‌دهد.

۲. ایمان به امدادهای غیبی

امدادهای غیبی به دو صورت انجام می‌شود:

۱. در بعضی از مواقع، این امدادها به صورت فراهم شدن شرایط موفقیت است؛ برای مثال،

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقَامَكُمْ» (محمد: ۷)؛

اگر خدا را یاری کنید خداوند شما را یاری می‌کند و ثابت قدمتان می‌دارد.

۲. امدادهای غیبی، گاهی به صورت الهامات، هدایت‌ها، روشنی‌ها و روشن بینی‌ها می‌باشد.

در این نوع از امدادها، احیاناً الهامات و اشراقاتی به دانشمندان می‌شود و ناگهان دری از علم به روی آن‌ها گشوده می‌شود و اکتشافی عظیم رخ می‌دهد.

شرایط نزول امدادهای غیبی: باید دانست که این گونه الطاف غیبی، گزاف و رایگان نیست. در آیه «... إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ...»، یاری الهی را که مدد غیبی است، به یاری قبلی خدا مشروط می‌کند؛ یعنی به اینکه خدمت و عمل و مجاهدتی در راه خیر عموم صورت بگیرد و به‌ویژه در راه خدا یعنی لله و فی‌الله باشد؛ یعنی هم عمل و مجاهدت و کوشش شرط است و هم اخلاص و حسن نیت (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۳، ص ۳۴۸).

بنابراین کسی ایمان به این حقیقت دارد که اگر در راه خدا تلاش و مجاهدت بکند، خداوند به‌طور حتم، از طریق امدادهای غیبی به او یاری خواهد رساند، امید بیشتری به موفقیت پیدا می‌کند و موانع او را متوقف نخواهد کرد.

۲. ایمان به معاد

یکی از اصول جهان‌بینی اسلامی اصل ایمان به زندگی جاوید و حیات اخروی است. انسان الهی معتقد است مرگ پایان کار نیست بلکه آغاز زندگی دیگری است که برتر و کامل‌تر و لطیف‌تر است و این دنیای فانی، جز تجارت‌خانه‌ای نیست که بر آدمی واجب است در بازرگانی خود در آن سود برد، و برای راه سختی که پس از مرگ در پیش دارد توشه‌ای فراهم آورد (حکیمی و اخوان، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۷۲).

آثار ایمان به معاد

از میان عقاید دینی، اعتقاد به رستاخیز و معاد یکی از نافذترین و مؤثرترین باورها در جهت دادن به رفتار آدمی و تربیت و اصلاح اوست.

از اعتقاد به معاد، امور زیر نتیجه می‌شود که حائز اهمیت فراوان است:

امید به موفقیت و تلاش زیاد: این اعتقاد بر آدمی واجب می‌سازد که نسبت به این زندگی، نظری مثبت داشته باشد، و آن را شیرین و بارور تصور کند، بدان جهت که مزرعه‌ای برای زندگی دیگر است؛ پس لازم است که از آن خوب و فراوان بهره‌برداری کند، و خود را از تنبلی و ناامیدی و منفی‌نگری نسبت به زندگی برهاند، و آماده آن شود که همه اوقات و لحظه‌ها، موهبت‌ها، نیروها و امکان‌های خود را به بهترین وجه به کار گیرد.

مسئولیت‌پذیری: این اعتقاد بر آدمی واجب می‌کند که خود را - به صورت کامل - آماده پذیرفتن مسئولیت‌های سنگین سازد، و فعال و تمربخش و مثبت باشد، چه می‌داند که کار با گذشتن روزهای گذران این دنیا به پایان نمی‌رسد بلکه در زندگی جاودانی دیگری ادامه پیدا می‌کند، که در آنجا محاسبه دقیق‌تر، و دلیل گریبان‌گیرتر، دریغ و افسوس بیشتر، و پاداش تمام‌تر است.... بنابراین، یکی از آثار پربرکت اعتقاد به معاد، بیدار شدن احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی در عمق وجود انسان‌هاست، به گونه‌ای که تمام افکار و کردار آدمی را تحت شعاع قرار می‌دهد و او موظف به پاسخ‌گویی در مقابل اعمال خویش می‌داند.

و این- چون از روی بصیرت و یقین باشد- آدمی را آرمان‌خواه، کمال‌طلب و هدفدار می‌سازد که به عمل اندک خورشید نمی‌شود بلکه نهایت کوشش خود را در آن به کار می‌برد تا همه جا را از فضیلت و خیر پر کند (حکیمی و اخوان، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۷۲).

استقامت و پایداری: اعتقاد و باور به معاد چنان تحول عظیمی در روح و اندیشه انسان ایجاد می‌کند که نه تنها از فشارهایی که در طریق انجام مسئولیت‌ها بر او وارد می‌آید، رنجی نمی‌برد بلکه از آن استقبال می‌کند و همچون کوه در برابر حوادث می‌ایستد.

آرامش خاطر: ایمان به معاد، ریشه یأس‌ها و نومییدی‌ها را که آفت جان انسان‌هاست، می‌سوزاند و انسان را امیدوار می‌سازد که هیچ‌یک از اعمال نیک او از صفحه هستی پاک نمی‌شود و مصائب و ناکامی‌هایش در این دنیا هیچ‌کدام بی‌پاسخ نخواهد ماند (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۴، ص ۵۸۹).

بخش سوم: ایدئولوژی

ایدئولوژی یعنی مکتبی که بایدها و نبایدها را مشخص می‌کند (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۱۳، ص ۳۴۰). این بخش در دو قسمت «ارزش‌ها» و «ضد ارزش‌ها» (موانع توفیق‌طلبی) آورده شده است و تأثیر هر یک بر تقویت ویژگی‌های توفیق‌طلبی بررسی می‌شود.

الف. ارزش‌های اسلامی

ارزش‌ها در اسلام- که مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی و نگرش توحیدی به عالم هستی است- درواقع، حکم شاخ و برگ‌های درخت تنومند اسلام را دارد که ریشه آن را اصول دین تشکیل می‌دهد. مجموعه این ارزش‌ها که نظام ارزشی اسلام را شکل می‌دهد، در قالب «بایدها» و «نبایدها» و یا دستورهای اسلامی مطرح می‌شود (پیروز و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۳۷۸).

اعتماد به نفس: اتکای به نفس که یکی از ارزش‌های مورد تأکید اسلام است، عبارت است از اینکه انسان به خود تکیه کند، خود را مسئول کارهای خویش بداند، موفقیت و ناکامی را معلول افکار و اعمال خود ببیند و به یاری دیگران چشم ندوزد (روحانی‌نژاد، ۱۳۸۲، صص ۳۲-۳۴).

کرامت و عزت نفس: در اخلاق اسلامی، مجبور و آن چیزی که حجم اخلاقی به دور آن می‌گردد یا آن نقطه‌ای از روح انسان که اسلام روی آن دست گذاشته است، برای احیای اخلاق انسانی و برای اینکه انسان را به سوی اخلاق سوق دهد، کرامت و عزت نفس است (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۲، ص ۶۵۷).

ارزش کار: با نگاهی کوتاه به فرهنگ اسلامی می‌توان دریافت که کار، جان‌مایه حیات آدمی، بزرگ‌ترین سرمایه‌سازندگی و اساس سعادت دنیا و آخرت است. اسلام بر کار و عمل، به‌ویژه عمل شایسته، تأکید بلیغی می‌کند و شخصیت انسان‌ها را با عمل صالح، عجین می‌داند (پیروز و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۳۸۰). روایات بسیاری از ائمه اطهار(ع) نقل شده است که در آن‌ها مسلمانان را به کار و کوشش و فراهم ساختن زندگی بهتر فراخوانده و پیروان خویش را از تنبلی، بیکارگی، انزواطلبی، ترک دنیا و گرایش به فقر بر حذر داشته‌اند و خود نیز همواره در حال کوشش بوده‌اند (علوی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۴).

در مقابل فرهنگ کار و تلاش، کاهلی و سستی قرار دارد که در مذمت آن، روایات فراوانی بیان شده است.

اتقان در کار: یکی از ارزش‌های اسلامی در زمینه کار، دقت در انجام آن و اتقان در عمل است. و در نتیجه کار استوار است که انجام بدون نقص و کامل و درنهایت، موفقیت حاصل می‌شود.

«**کیفیت عمل:** در قرآن این تعبیر آمده است: «... أَتُكْمِلُونَ عَمَلًا...» (ملک: ۲). «کدام یک کار بهتری می‌کنید»، و به جای آن نگفته است: «اکثر عملاً، کدام یک کار بیشتری می‌کنید». پس چیزی که به عمل ارزش و کرامت می‌بخشد، و آن را بالا می‌برد، و ثمربخش و نیکو و بافضیلت می‌سازد، جوهره عمل و کیفیت آن است (آرام، و اخوان حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۸۹).

ارزش علم و تعلیم و تعلم: آیات قرآن کریم، آن‌قدر راجع به علم و راجع به دانش سفارش فرموده است که شاید در کتب دیگر نباشد (امام خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۲۳۲). اساساً اسلام نه تنها جلوی رشد علمی و فکری بشر را نمی‌گیرد بلکه خود، زمینه‌های این حرکت را آماده‌تر می‌کند و به این حرکت جهت انسانی و الهی می‌دهد. تکامل علمی و فرهنگی بشر، بعد از ظهور اسلام، محققان تاریخ را خیره ساخته است (امام خمینی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۸۸).

اسلام بزرگ‌ترین تأکید را بر جستجوی دانش کرده است بلکه آن را بر هرکس واجب ساخته (طلب العلم فریضه علی کل مسلم) و دانش‌طلبی را هم‌تراز جهاد و خون دادن در راه خدای متعال دانسته است (حکیمی و اخوان، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۱).

همت بلند: امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «قَدَرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدَرِ هِمَّتِهِ»؛ حد و درجه هرکس به درجه و میزان همت او بستگی دارد (نهج البلاغه، حکمت ۴۷).

انسانی دارای همت عالی است که از حقایق زیر برخوردار باشد:

۱. هدف‌گیری عالی و عدم قناعت به وضع موجود.
۲. رفتن برتر از امواج خواسته‌های زودگذر.
۳. تفسیر منطقی درباره دو مفهوم متقابل «امکان‌پذیر» و «امکان ناپذیر»؛ این مسئله از ضروری‌ترین شرایط بارور شدن همت عالی انسان است. بدون تحقق این شرط، قدرت‌ها به هدر می‌رود و اراده‌ها و تصمیم‌های بزرگ به جای آنکه به نتایج مثبت برسد، تباه می‌شود.

۴. عنصر اراده؛ این عنصر در منتج ساختن همت عالی، اساسی‌ترین نقش را بر عهده دارد (جعفری، ۱۳۷۸، صص ۹۲-۹۱).

بلندهمتی که همواره مورد تأکید دین اسلام بوده است، به انسان‌ها می‌آموزد به اهداف پست و ناممکن دل نبسته و به قلّه‌های بلند بیندیشند و با اراده قوی و پرتلاش به سمت آن حرکت کنند. بنابراین، انسان‌های بلندهمتی که در این مکتب تربیت می‌شوند، دارای «آرزوهای ممکن بلند» و «اراده قوی و تلاش و پشتکار» هستند.^۱ بدیهی است هرچه همت انسان بلندتر شود، اراده، تلاش و پشتکار و تحمل موانع و مشکلات او در راه رسیدن به مطلوب بیشتر خواهد شد.

انگیزه‌های معنوی

انگیزه‌های معنوی انگیزه‌هایی نیست گرفته از ایمان به مبدأ و معاد است و محور آن‌ها را وجود مقدس پروردگار تشکیل می‌دهد. در این نوع انگیزه‌ها، نیازهای فطری و گرایش‌های اصیل انسانی به معبود و محبوب حقیقی، قوی‌ترین عامل بروز و ظهور رفتارهای شایسته و پسندیده است. شدت و قوت این انگیزه‌ها به حدی است که می‌تواند نیازهای مادی را بی‌اثر کند و تحت الشعاع قرار دهد. چه بسیار انسان‌هایی که در طول تاریخ درخشیدند و با انگیزه‌های صرفاً الهی و با یاد و اندیشه خالق هستی، نیازهای مادی خویش را فدای آرمان‌های الهی کردند (پیروز و دیگران، ۱۳۸۳، صص ۱۷۵-۱۷۲).

طبق مطالب پیشین، انگیزه‌های معنوی (مثل ایمان مذهبی که بیشتر بیان شد)، به سبب تقدسی که به اهداف می‌دهند، موجب می‌شود انسان تلاش‌هایی علی‌رغم گرایش‌های طبیعی فردی انجام دهد (چیزی که در تفکر مادی نمی‌تواند وجود داشته باشد).

تفکر

برای اینکه انسان بر سرنوشت خود و نیز بر جامعه خود مسلط باشد- دست‌کم در این حد که صد درصد تسلیم اوضاع و احوالی که بر او احاطه کرده است، نباشد- شرط اساسی، تفکر است (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۲۲، صص ۱۷۷-۷۶۶).

ارزش تفکر در اسلام، به مقابله با تقلید و دنباله‌روی از سنت‌های گذشته پرداخته و باب نوآوری و ورود به عرصه‌های جدید را به انسان‌ها باز می‌کند.

صبر و توکل

برترین اوصاف مؤمنان اهل عمل، دو چیز است:

۱. صبر و استقامت در برابر مشکلات؛

۲. تکیه و توکل بر خدای سبحان؛ به جای تکیه بر مال و دوستان و بستگان.

این دو صفت، چنان قدرت روحی‌ای به مؤمنان می‌دهد که اگر دشمن، قصد هلاک کردن آن‌ها را کند، می‌گویند: «گیرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک». صبر، عامل استقامت و پایداری در مقابل موانع و مشکلات است و توکل محرک و انگیزه حرکت در این راه پر فراز و نشیب (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، صص ۳۳۱-۳۳۲).

صبر یکی از ارزش‌های اسلام است که ویژگی «استقامت و پایداری» را در انسان می‌افزاید و توکل، امید به نتیجه گرفتن از سعی و تلاش یا «امید به موفقیت» را در او تقویت می‌کند.

عمل‌گرایی

تکیه‌گاه تعلیم و تربیت اسلامی عمل است. اسلام بشر را متوجه این نکته می‌کند که هرچه هست، عمل است. سرنوشت انسان را عمل او تشکیل می‌دهد. قرآن کریم راجع به عمل چقدر صحبت کرده و چقدر تعبیرات رسا و زیبایی در این زمینه دارد؛ برای مثال: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹)؛ برای بشر جز آنچه که کوشش کرده است، نیست؛ یعنی سعادت بشر در گرو عمل اوست.... وقتی یک ملت فهمید که سرنوشتش به دست خودش است، سرنوشت او را عمل خودش تعیین می‌کند، آن وقت متوجه

عمل و نیروی خودش می‌شود. شما اگر می‌بینید در صدر اسلام مسلمین آن‌قدر جنبش و جوشش داشتند، چون یکی از اصول افکارشان همین بود؛ زیرا آن‌ها این تعلیم را از سرچشمه گرفته و هنوز منحرف نکرده بودند (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۲۵، ص ۴۳۵).
انسان تربیت‌شده تحت چنین آموزه‌ای، دارای «کنترل درونی» زیادی بوده و علت عقب‌ماندگی خود را عدم سعی و تلاش خود می‌داند.

تکلیف محوری

این مسئله «امیدبخشی» که در مکتب ادیان و در حکمت‌های الهی هست، مبتنی بر اصل وجود خدا و جاودانگی روح و عالم آخرت است که قهراً اهل ایمان، هرگز چیزی را [از دست نمی‌دهند]، یعنی در نهایت اطمینان دنبال هدف خود می‌روند و هیچ چیزی را برای خودشان از دست داده تلقی نمی‌کنند (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۱۵، ص ۲۸۸) و این همان سخن معروف امام خمینی (ره) است: «ما مأمور به تکلیف هستیم، نه نتیجه».

به همین سبب، انسان مسلمان و مؤمن همواره در زندگی خویش منتظر یکی از دو خوبی یا «إحدى الحسنین» است. حضرت امیرالمؤمنین (ع) در این باره می‌فرمایند: مؤمن، بیدار، مراقب، ترسان (از خدا)، و چشم به راه یکی از دو فرجام نیک است. (إحدى الحسنین)...؛ مقصود این است که مؤمن بیدار مجاهد، در زندگی خویش، به یکی از دو فرجام نیک و نتیجه گران‌قدر دست خواهد یافت؛ یا تحقق یافتن آرمان‌های دینی، یا جانبازی در راه خدا و رفتن به نزد خدا (یا «زندگانی آرمانی»، یا «مرگ آرمانی»). و این همان ارزش والای انسان و مقصد اعلای حیات است (حکیمی و اخوان، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۳۳).

نتایج شعار إحدى الحسنین: این شعار امیدبخش نتایجی دارد که در اینجا برخی از آن‌ها به اختصار ذکر می‌شود:

۱. ریشه‌کن شدن یأس و نومیدی که گلوی هر انسان هوشیار و خردمندی را به سختی می‌فشارد.
۲. این شعار، دستور به حداکثر کوشش و تلاش در زندگی می‌دهد، و هیچ‌گونه حرکت و سکون با هدف را بی‌نتیجه نمی‌داند.

۳. شعار احدى الحسينين نتیجه فوق‌العاده مهم و سازنده‌ای دیگر دارد که عبارت است از: جدی تلقی شدن زندگی و جهان هستی با همه اجزاء و تحولاتش (جعفری، ۱۳۷۸، ج ۵، صص ۶۰-۵۵).

بنابراین، تکلیف‌محوری و شعار احدى الحسينين، «امیدبخش» است و موجب «تلاش حداکثری» می‌شود.

ضد ارزش‌ها (موانع توفیق طلبی)

جبرگرایی: اعتقاد به جبر موجب می‌شود که انسان خود را در سرنوشت محتوم خویش دخیل نداند و در نتیجه، دچار سستی و خمودگی گردد. اعتقاد به جبر به‌طور طبیعی، انسان را به رکود و سکون می‌کشاند، و عدم اعتقاد به آن موجب پویایی و تحرک می‌شود. پس می‌توان اذعان داشت که از عمده‌ترین ویژگی‌های افراد توفیق‌طلب، عدم اعتقاد به جبر است (علوی، ۱۳۸۵، صص ۱۱۱-۱۱۰). معتقد به جبر، چون رابطه سببی و مسببی را در اشیاء، به‌ویژه در میان انسان و اعمال و شخصیت روحی و اخلاقی او از یک طرف، و میان آینده سعادت‌بار یا شقاوت‌بارش از طرف دیگر منکر است، هرگز در فکر تقویت شخصیت و اصلاح اخلاق و کنترل اعمال خود نمی‌افتد و همه چیز را حواله به تقدیر می‌کند (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۳۷۵).

رضایت به وضع موجود (عجب): انسان در صورتی که همه توجهش متمرکز موفقیت به‌دست‌آمده گردد، در نتیجه، از بسیاری کمالات بالاتر و موفقیت در زمینه‌های دیگر غافل شده و از حرکت و تلاش باز می‌ماند و نمی‌تواند به کمال مطلوب خود دست یابد.... توجه به داشته‌ها ممکن است نوعی دل‌بستگی و سکون ایجاد کند و انسان را در همین مرحله متوقف و سرگرم سازد. امام باقر(ع) در این زمینه می‌فرماید: «هیچ مصیبتی همچون سبک شمردن گناه، و خرسند بودن به حالتی که در آنی، نیست».

همان‌گونه که گفته شد، «احساس نقص» یکی از ویژگی‌های مهم و درونی توفیق‌طلبی است و از نظر دین اسلام، مؤمن باید همیشه در خود احساس نقص کند و خود را مبرا از کمال در علم، قدرت، زیبایی، حلال و ... بداند و گرنه دچار عجب می‌شود و هلاک می‌گردد.

توس از اقدام: گاه انسان موانع را چنان بزرگ می‌بیند که انجام آن عمل را غیرممکن تصور می‌کند؛ به همین دلیل است که یک پا پیش می‌گذارد و یک پا پس؛ ولی چون عزم را جزم کرد و به اقدام پرداخت، خواهد دید که بیشتر آنچه در نظر وی به صورت مانع می‌نموده افکاری بوده که در خارج، وجود واقعی نداشته است. بنابراین، با اقدام به کار است که قدرت و نیروی عامل افزایش یافته دامنه توان‌های او گسترده‌تر می‌شود، و بر آنچه دشوار می‌نمود، فائق می‌آید، و موانع را از سر راه خود برمی‌دارد (حکیمی و اخوان، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۹۱).

امیرالمؤمنین علی(ع) در حکمت ۱۷۵ نهج‌البلاغه می‌فرماید: هرگاه از چیزی ترسیدی، در آن درآی؛ زیرا ترس و پرهیز از چیزی، بزرگ‌تر از آن است تا آدمی رسماً وارد آن شود و با آن برخورد کند.

خودباختگی: خودباختگی یکی از ضلالت‌آمیزترین چیزهاست که مورد مذمت اسلام است. اصل خودباختگی یک تعبیر قرآنی است. خسران نفس، خود را باختن، و در قرآن از خودباختگی به عنوان حالتی روحی در انسان ذکر شده است که در این حالت خودش را می‌بازد؛ یعنی تمام قوا و نیروها و استعدادهایی که دارد، وضعی پیدا می‌کند که گویی چیزی ندارد (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۵۹۴).

بدبینی: بدبینی موجب کاهش انگیزه توفیق‌طلبی در افراد جامعه می‌شود؛ زیرا امید به موفقیت را از انسان سلب می‌کند. جهان‌بینی خوب آن جهان‌بینی است که امیدآفرین باشد، خوش‌بینی‌آور باشد، با یأس و بدبینی مبارزه کند (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۱۵، ص ۲۸۸). دین اسلام جهان‌بینی خوش‌بینانه دارد و بدبینی را مذمت می‌کند.

خوش‌بینی منفی: یکی از علل عمده عدم موفقیت مردم به اصلاح جامعه خود همین است که هر فردی آنگاه که به خودش و اعمال خودش نظر می‌افکند، عینک خوش‌بینی به چشم می‌زند و آنگاه که به دیگران و اعمال دیگران نظر می‌کند، عینک بدبینی و بدگمانی، و نتیجه این است که هیچ‌کس شخص خود را تقصیرکار نمی‌داند.^۹ انسان غریزه حب به ذات دارد. همیشه خودش و وابستگی‌های خویش را با عینک خوش‌بینی می‌نگرد.

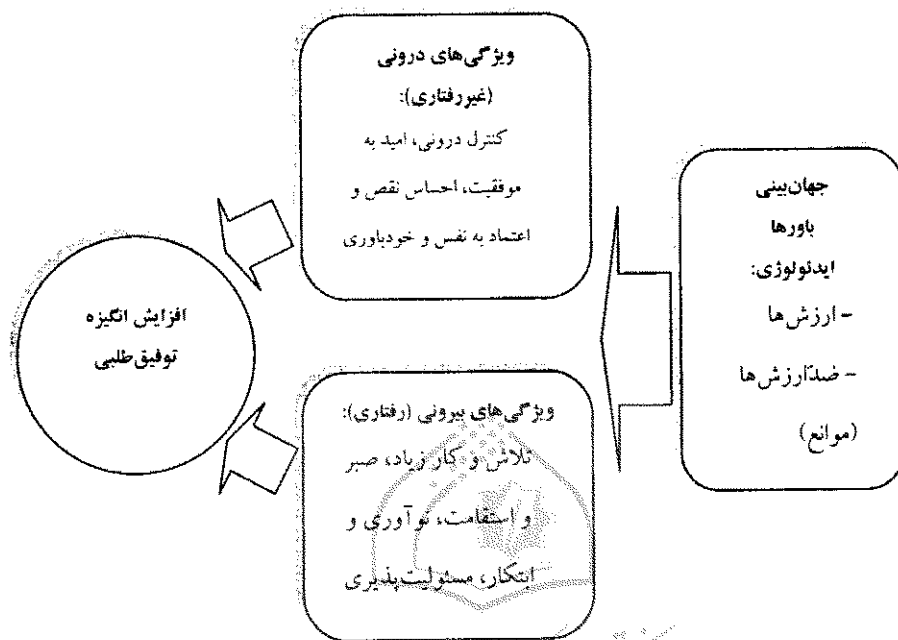
امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرمایند: «مؤمن، شامی را صبح و صبحی را شام نمی‌کند مگر آنکه نسبت به نفس خود و اعمال خود بدگمان است و هر لحظه احتمال می‌دهد که عملی ناپسند از او سر بزند (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۲۳، ص ۷۷۵). کسی که به خودش بدبین است، علت شکست را در خود جستجو می‌کند نه در دیگران و چنین کسی دارای کانون کنترل درونی است.

جمع‌بندی

همان‌طور که در نمودار شماره ۳ مشاهده می‌شود. آموزه‌های دینی ویژگی‌های عمده توفیق‌طلبی را تقویت می‌کند و در نهایت، موجب افزایش انگیزه توفیق‌طلبی در انسان می‌شود. با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت، از یک طرف ضد ارزش‌هایی که ذکر شد، در واقع، موانع بروز ویژگی‌های توفیق‌طلبی را از انسان دور می‌کند و از طرف دیگر، بینش (جهان‌بینی)، باورها و ارزش‌های اسلامی، مقتضیات بروز ویژگی‌های مهم انگیزه توفیق‌طلبی و در نهایت، شکوفایی و تقویت این انگیزه را در انسان افزایش می‌دهند؛ در میان آموزه‌های دینی که ذکر شد، انگیزه‌های معنوی که در اثر باور به غیب و معاد در درون انسان شکل می‌گیرد، به‌طور ویژه تأثیرگذار است؛ زیرا به سبب ایجاد این انگیزه‌ها در انسان، اهداف از محدوده خود بیرون می‌آید و تبدیل به یک آرمان الهی می‌شود و فرد حاضر می‌شود هستی خود را در راه آن فدا کند.

از آنجاکه افرادی که این انگیزه را مطرح نموده‌اند (مک کله لند و دیگران)، نقش عوامل و انگیزه‌های معنوی را در این قصه نادیده ر تنها به عوامل و انگیزه‌های مادی پرداخته‌اند. در نتیجه، می‌توان گفت با توجه به تأثیر و شدت و قوت و ماندگاری انگیزه‌های معنوی، یک فرد مسلمان با ویژگی‌های توفیق‌طلبی به مراتب دارای ویژگی‌های روانی و رفتار قوی‌تری نسبت به شخص توفیق‌طلبی که به این مباحث اعتقادی ندارد، است.

نمودار شماره ۳. نحوه تأثیر آموزه‌های دینی در شکوفایی و تقویت انگیزه توفیق طلبی



در آخر ذکر این نکته ضروری است که تنها چیزی که می‌تواند همه این برکات را نصیب انسان کند، بصیرت و یقین به این معارف است و گرنه هرگونه جهل و تردید، موجب سستی فرد شده و در نهایت، انسانی با ویژگی‌های توفیق طلبی بار نخواهد آمد.

یادداشت‌ها

1. self motivation
2. personal accomplishment
3. locus of control

۴. دین مبین اسلام انسان‌ها را بدون هدف رها نکرده است و به عبارت دیگر، اینکه همت خود را باید متوجه چه چیزی معطوف سازند را نیز مشخص کرده است. از نگاه اسلام همت (هم و غم و آرزو و هدف) انسان‌ها تنها باید به سمت آخرت باشد (...وَلْيَكُنْ هَمُّكَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ) (نهج البلاغه، نامه ۲۲) و توجه صرف به آرزوها و اهداف دنیوی

مذموم است و اهداف دنیوی فقط در صورتی که جهت آن به سمت آخرت باشد، مورد قبول است (وَاتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ... (قصص: ۷۷)).

۵. این حالت، خصلت انسان‌هایی است که دارای کنترل بیرونی‌اند؛ زیرا این‌گونه افراد علت شکست را به بیرون از خود نسبت می‌دهند و افزایش این حالت در شخص موجب کاهش انگیزه توفیق طلبی در او می‌شود.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

اعتصامی، سید محمدکاظم (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل مؤثر بر انگیزه توفیق طلبی از دیدگاه آموزه‌های دینی با تأکید بر نهج البلاغه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

پیروز، علی‌آقا؛ خدمتی، ابوطالب؛ شفیعی، عباس و بهشتی‌نژاد، سید محمود (۱۳۸۳)، مدیریت در اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

جعفری، محمدتقی (۱۳۷۶)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

همو (۱۳۷۸)، روان‌شناسی اسلامی، انتشارات پیام آوازی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، عصاره خلقت، قم: مرکز فرهنگی اسراء.

حکیمی، احمد و اخوان (۱۳۸۰)، الحیة، ترجمه احمد آرام، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

خمینی، امام روح‌الله (۱۳۷۱)، صحیفه نور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

رضاییان، علی (۱۳۷۹)، مبانی مدیریت رفتار سازمانی، تهران: سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

روحانی‌نژاد، حسین (۱۳۸۲)، توکل، تهران: کانون اندیشه جوان.

سبحانی‌نیا، محمد (۱۳۸۰)، «جوان و اعتماد به نفس»، نشریه با معارف اسلامی آشنا شویم، شماره ۴۸، سال بیستم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.

شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۵)، دیدگاه‌های روان‌شناختی حضرت آیت‌الله مصباح یزدی، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

شفریتز، جی. ام. و استیون اوت، جی. (۱۳۷۹)، *تنوری سازمان اسطوره‌ها*، ترجمه علی پارساییان، تهران: انتشارات فرزانه.

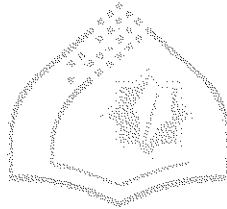
عریضی، حمیدرضا و عابدی، احمد (۱۳۸۲)، *تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی*، نشریه نوآوری‌های آموزشی، پاییز.

علوی، سید علی (۱۳۸۵)، *توفیق‌طلبی در تمدن اسلامی*، تهران: سمت.

مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران: انتشارات صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: انتشارات دار الکتب الإسلامیه.

Johnson, Angel (2008), Dissertation of "The Influence of Need for Achievement, Need for Affiliation ... on Organizational Citizenship Behavior".



مجلس شورای اسلامی ایران